

نکته‌هایی درباره روش تألیف و نگارش «دستورالمنجمین»

ملیحه کرباسیان - دانشگاه بُن، جمهوری فدرال آلمان

اشاره

این گفتار، گزیده فارسی شده سخنرانی نگارنده است به زبان انگلیسی که به هنگام همکاری در پروژه تصحیح و تحقیق بخش نجوم کتاب دستورالمنجمین با حمایت بنیاد پژوهش‌های آلمان (Deutsche Forschungsgemeinschaft) آماده شد و نخستین بار با مشخصات زیر در کارگاه پژوهشی «در سایه‌سار علم: دستورالمنجمین و جهان پیرامونش» (مؤسسه مطالعات شرقی و آسیایی دانشگاه فردریش - ویلهلم، بُن، ۲۲-۲۱ ژوئیه ۲۰۱۱ میلادی) ارائه شد:

"Some Observations on the handwriting of the *Dustūr al-munajjimīn*", **Science in Context: The *Dustūr al-munajjimīn* and its world, An interdisciplinary workshop on the traditions of science and learning in the Ismaili domain**, organized by Prof. Eva Orthmann, Petra G. Schmidl and Mohammad Karimi Zanjani Asl (Bonn, Institute for Oriental and Asian Studies, 22 and 23 July 2011).

درآمد

در آن داشته است.^۳

دستورالمنجمین بعنوان یگانه اثر بازمانده از روزگار حسن صباح (۵۱۸م ق)، متنی است که به احتمال زیاد، در کتابخانه قلعه الموت نوشته شده است؛^۴ و روش نگارش آن به گونه‌ای است که به نظر می‌رسد مؤلف این اثر، مانند مؤلفان کتابهای آموزشی یا مجموعه‌ها، از کمک و راقان کتابخانه‌ها برخوردار بوده است. در این گفتار، در بررسی بخش نجومی دستورالمنجمین، به دو نکته در شیوه نگارش این کتاب خواهم پرداخت:

نخست، روشهای گزینش متون در بخش نجوم، دوم، ویژگیهای نگارشی موجود در این بخش که مقاله‌های یکم تا هشتم را دربرمی‌گیرد.

برپایه نوشته‌های ابن ندیم و یعقوبی و دیگر مورخان درباره وضع کتابخانه‌ها و نسخه‌برداری آثار در دوران اسلامی، بویژه از روزگار سامانیان، می‌دانیم که در کتابخانه‌ها کسانی با عنوان وراق کار می‌کرده‌اند که وظیفه‌شان رونویسی نسخه‌های کهنه، کمیاب یا سفارشی بوده است.^۲ برای این کار، کسی متن را به صدای بلند می‌خواند، و دیگران آنرا می‌نوشته‌اند.

از این رو گاه اشتباهاتی در نسخه‌ها به چشم می‌خورد که ناشی از بد شنیدن یا جابجا شدن واژه‌های هم‌آوا بویژه در متون عربی بوده که کاتب تبخّر کمتری

روشهای گزینش

نویسنده دستورالمنجمین بخش نجومی این اثر را که مشتمل است بر مقاله‌های یکم تا هشتم کتاب، با گزینش و در کنار هم گذاشتن بخشهای گوناگون آثار نجومی مطرح در روزگارش نوشته است.

برخی از منابع مورد استفاده او تا امروز باقی مانده که از آن جمله است کتابهای القانون المسعودی و التفهیم ابوریحان بیرونی (م ۴۴۰ق)، زیج جامع و مجمل‌الأصول از کوشیار بن لبان گیلی (م ۳۸۳ق)، زیج صابی از ابوعبدالله محمد بن جعفر بتانی (م ۳۱۷ق) و زیج حبش حاسب (م ۲۵۵ق). در کنار این آثار، نویسنده دستورالمنجمین بخشهایی از آثار نویسندگانی را نقل کرده است که تا جایی که می‌دانیم امروزه نسخه‌ای از آنها وجود ندارد و تنها به واسطه نقل مؤلف دستور است که از آنها با خبریم. برخی از این نویسندگان عبارتند از سند بن علی (زنده سده دوم هجری) و ابوالوفاء بوزجانی (م ۳۸۸ق) و محمد بن احمد معموری (م ۵۰۰ق).^۵

این گزینش و تألیف به سادگی و تنها با رونویسی متون صورت نگرفته است، بلکه نویسنده برپایه هدفی که داشته، هنگام بازنویسی، گاه تغییراتی در هر اثر داده است. بدین‌سان اشکال زیر را در نقل متون می‌بینیم:

۱. بازنویسی ساده و رایج از بخشهای انتخابی متون نجومی؛ بیشتر متن به این روش نگاشته شده است.
۲. درهم ریختن ترتیب بخشها آنگونه که در اصل آثار نجومی بوده است. به نظر می‌رسد که نویسنده در نظر داشته است تا اثرش را با نظمی نو تدوین کند.
۳. تقسیم فصلی از کتاب مأخذ به چند بخش با نامهای تازه که به فصلهایی تازه در دستورالمنجمین می‌انجامد. بازایی فصلهای ساخته شده از میان متن اثر اصلی، بسیار زمانبر است که تفاوتهای نگارشی نسخه‌های متن مأخذ نیز بر دشواری آن می‌افزاید.
۴. کنار هم گذاشتن بخشهایی از فصلهای گوناگون یک اثر و ساختن فصلی واحد از آنها، مانند ترکیب دو بخش «فی اختلاف منظر القمر طولاً و عرضاً بطریقه مبرهنه» و «فی ارتفاع القمر بحسب عرضه» از زیج جامع کوشیار^۶ در فصل «فی اختلاف المنظر طولاً و عرضاً بطریقه مبرهنه» در دستورالمنجمین.^۷
۵. گاه مؤلف دستور، مطالب یک فصل را چنان

درهم ریخته است که تشخیص صورت اولیه مطالب در مأخذ اصلی بس دشوار می‌شود؛ و در کار تصحیح، ارائه تفاوتها در پاورقی یکسره غیرممکن می‌گردد. چنین می‌نماید که نویسنده، پس از خواندن متن مأخذ خود، آنرا به دلخواه یا برپایه ایده‌ای که در ذهن داشته بازنویسی کرده است. بازنویسی فصل اول از مقاله ششم قانون مسعودی از آن جمله است.^۸

۶. درهم آمیختن فصلهایی یکسان از دو اثر در فصلی واحد. برای نمونه به برگ «۱۶۰پ» دستورالمنجمین می‌توان اشاره کرد که از درهم‌کرد مطالب باب پانزدهم زیج بتانی^۹ و باب یازدهم از فصل پنجم از بخش نخست زیج جامع کوشیار^{۱۰} حاصل شده است.

ویژگیهای نگارشی

اشتباهات شنیداری: محمد قزوینی با بررسی نوع خط، رنگ مرکب و نیز همانندی خط حاشیه‌های دستورالمنجمین با خط اصلی متن به این نتیجه رسیده است که کاتب و نویسنده کتاب یکی است.^{۱۱} به هر روی، وجود برخی اغلاط در کتاب که بیشتر حاصل اشتباه در شنیدن است تا در خواندن، می‌تواند ما را به این نکته رهبری کند که یا نویسنده مطالب خود را به کاتبی دیکته کرده است، یا در بیشتر مواقع، کسی مطالب برگزیده‌اش را برای او می‌خوانده و او آنها را می‌نگاشته است.^{۱۲}

داشتن دستیار برای نگارش در دوران اسلامی پیشینه داشته است و از آن جمله می‌توانیم از گزارش سمعانی درباره دستیار داشتن جاحظ و رشیدبن داود یاد کنیم.^{۱۳}

درباره دستورالمنجمین، برای نمونه، به این موارد می‌توان اشاره کرد:

- «ماعلصا» در متن دستور^{۱۴} و «ماعلثا» در باب ششم از فصل اول از باب نخست زیج جامع کوشیار؛^{۱۵}
- «سار» در متن دستور^{۱۶} و «صار» در باب نهم از مقاله یازدهم قانون المسعودی؛^{۱۷}
- «إلا تجعل» در متن دستور^{۱۸} و «إن لا تجعل» در باب چهل و چهارم زیج بتانی؛^{۱۹}
- «أقصر» در متن دستور^{۲۰} و «أصغر» در باب چهل و چهارم زیج بتانی؛^{۲۱}
- «الهاو» در متن دستور^{۲۲} و «الهلال» در باب چهاردهم

- نک: کریمی ۱۳۸۵ش، صص ۳۷، ۹۱.
۳. نک: مایل هروی ۱۳۸۰ش، صص ۴۱-۴۰.
۴. درباره نگارش این متن در الموت نک: قزوینی ۱۳۴۵ش، صص ۱۴۳-۱۴۰.
- Casanova 1922, pp.134-135; Karimi 2010, pp. 226-227.
۵. برای بخشهای نقل شده از آثار این سه منجم، به ترتیب نک:
- Dustūr, fols. 38a, 171 a-172b, 184a- 184b (Sanad/ Sind ibn, Alī), 63b-64b, 172b-174 b, 176b-179a (Būzjānī), 102b-103a (Ma'mūrī).
- همچنین نک: Kennedy 1984, 193-206; Karimi 2010, pp.228-229
۶. نک: کوشیار بن لبان ۲۰۰۶م، صص ۵۵-۵۳.
7. Dustūr, fol. 129a.
8. Dustūr, fol. 159b.
۹. نک: بتانی ۱۸۹۹م، ص ۴۴.
۱۰. نک: کوشیار بن لبان ۲۰۰۶م، صص ۳۶-۳۵.
۱۱. نک: قزوینی ۱۳۴۵ش، صص ۱۳۵-۱۳۳.
۱۲. گفتنی است که در پایین برگ «۲۷ پ» این عبارت با مداد نوشته شده است:
- «مطالعه کامل شد در پاریس ۱۸ ژانویه ۱۹۳۶ سید جلال الدین طهرانی».
۱۳. نک: سمعانی ۱۴۰۸ ق، ج ۵، صص ۵۸۶-۵۸۵.
- اصل سخن سمعانی در این باره چنین است:
- «وأبوالقاسم عبدالوهاب بن عیسی بن عبدالوهاب بن أبی حیه الوراق، کان وراق الجاحظ من أهل بغداد... و مات فی شعبان من سنة تسع عشر وثلاثمائة. و أبوالقاسم عیسی بن سلیمان بن عبدالملک القرشی الوراق، وراق داود بن رشید... ومات فی شعبان سنة عشرة و ثلاثمائة».
- برای توضیح بیشتر نک: نجیب مایل هروی ۱۳۸۰ش، صص ۱۷۴-۱۷۳.
14. Dustūr, fol. 20a.
۱۵. نک: کوشیار بن لبان ۲۰۰۶م، ص ۱۳.
16. Dustūr, fol. 71a.
۱۷. نک: بیرونی ۱۹۵۶-۱۹۵۴م، ج ۳، صص ۱۴۵۳.
18. Dustūr, fol. 142b.
۱۹. نک: بتانی ۱۸۹۹م، ص ۱۵۸.
20. Dustūr, fol. 146a.
۲۱. نک: بتانی ۱۸۹۹م، ص ۱۶۹.

از مقاله هشتم قانون المسعودی؛^{۲۳}

«مما لا یدرک» در متن دستور^{۲۴} و «من ما لا یدرک» در باب چهاردهم از مقاله هشتم قانون المسعودی؛^{۲۵}

«إذن» به جای «إذاً» که در بسیاری موارد تکرار شده است.

حاشیه‌ها: در حاشیه متن اصلی و گاه در پایین یا لابه‌لای متن، با نگارش خط‌های مورب درباره مطالب برگزیده توضیحاتی داده شده است^{۲۶} یا غلطها و افتادگیهای متن افزوده گشته است.^{۲۷} این خط‌ها گاه با خط متن همخوانی دارد^{۲۸} و گاه متفاوت است؛^{۲۹} از این رو می‌توان پنداشت که کاتب پس از نگارش فصول آنها را به نویسنده اصلی می‌داده است تا اظهار نظر کند یا اگر نویسنده خود متن را نوشته باشد پس از اتمام هر فصل یا مقاله آنرا برای اظهار نظر به متخصص دیگری می‌سپرده یا خود آنرا بازبینی می‌کرده است.

آنچه به نظر می‌رسد این حدس را تأیید می‌کند نکته‌ای است که ابن جماعه درباره یکی از اصول تصحیح نسخه‌های تازه رونوشت شده ذکر می‌کند. او می‌گوید مصحح هر جا که از مقابله نسخه فراغت می‌یابد باید کلمات «بلغ، بلغت یا بلغ العرض» را ضبط نماید.^{۳۰} این نشان را ما در فرازهایی از دستور می‌بینیم.^{۳۱}

آخرین نکته در مورد نگارش دستورالمنجمین، شیوه نشان دادن فاصله‌ها و پایان پاراگرافها است. در مقاله‌های یکم تا ششم، نویسنده برای مشخص کردن آغاز پاراگراف فضای کوچکی را خالی رها کرده، اما در دو مقاله هفتم و هشتم، روش خود را تغییر داده است. در این دو بخش، برای نشان دادن فاصله‌ها نشانه «» به کار رفته است. در هر هشت بخش نجومی کتاب، پایان متن با علامت «.» و پایان جمله با «۰» مشخص شده است و برای پایان متن نیز دو نشان « » یا «ه» به کار رفته است.

یادداشتها

۱. در این باره نک: محسنیان راد ۱۳۸۷ش، ج ۱، صص ۴۲۷-۴۲۵.
۲. حتا در برخی کتابخانه‌ها، لوازم مورد نیاز برای نگارش آثار تازه نیز رایگان در اختیار محققان و مراجعان قرار می‌گرفت.

۱۱۰. قزوینی، به کوشش ایرج افشار، تهران، ج ۸، صص ۱۴۳-۱۱۰.
- محمد کریمی زنجانی اصل (۱۳۸۵ش)، دارالعلمهای شیعی و نوزایی فرهنگی در جهان اسلام، تهران.
- کوشیار بن لبان گیلی (۲۰۰۶م)، زیچ جامع، مقالات اول و چهارم، با مقدمه و تصحیح و ترجمه انگلیسی و تحلیل محمد باقری، پایان‌نامه دکتری دانشگاه اوتراخت هلند.
- نجیب مایل هروی (۱۳۸۹ش)، تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی متون، تهران.
- مهدی محسنیان راد (۱۳۸۷ش)، ایران در چهار کهکشان ارتباطی، تهران.
- Paul Casanova (1922), "Un nouveau manuscrit de la sects des Assassins", *Journal Asiatique*, 11 ième série 19, pp. 126-135.
- M. Karimi Zanjani Asl (2010), "From the Dustūr al-Munajjimīn to Tūsīs Works: Some Points on the Prevalent Sciences among the Nizārīs through the Fall of Alamūt (1256 CE/654 A.H)", 'Uyū nal- Akhbār (Studi sul mondo islamico) 4. *Islām Collected Essays*, Editors: Daniele Cevenini & Svevo D'Onofrio, Bologna, October 2010, pp. 223-238.
- E.S. Kennedy (1984), "Applied Mathematics in the Tenth Century: Abu 'l-Wafā' Calculates the Distance Baghdad-Mecca", *Historia Mathematica*, Vol. 11, pp. 193-206
22. Dustūr, fol. 155a.
۲۳. نک: بیرونی ۱۹۵۶-۱۹۵۴م، ج ۲، ص ۹۵۱.
24. Dustūr, fol. 155a.
۲۵. نک: بیرونی ۱۹۵۶-۱۹۵۴م، ج ۲، ص ۹۵۲.
26. Dustūr, fols. 28b, 59b.
27. Dustūr, fols. 124a-125a.
28. Dustūr, fols. 106b, 128a.
29. Dustūr, fols. 62a, 71a, 199a.
۳۰. نک: ابن جماعه ۱۳۵۳ ق، ص ۱۸۴.
- برای ترجمان فارسی سخن او نک: مایل هروی ۱۳۸۰ش، ص ۱۶۰.
31. Dustūr, fols.. 45a, 166b.

فهرست منابع

- بدرالدین ابن جماعه (۱۳۵۳ق)، تذکرة السامع والمنتکلم فی أدب العالم والتمتعلم، حیدرآباد دکن.
- ابو عبدالله محمد بن سنان بن جابر الحرانی المعروف بالبئانی (۱۸۹۹م)، الزیچ الصابی، به کوشش کرکو آلفونسو نالینو، رم.
- ابوریحان محمد بن احمد بیرونی (۱۹۵۴-۱۹۵۶م)، القانون المسعودی، حیدرآباد دکن.
- دستورالمنجمین (نسخه شماره ۵۹۶۸)، نسخه شماره ۵۹۶۸ عربی کتابخانه ملی پاریس، مورخ آغاز سده ششم هجری.
- عبدالکریم بن محمد سمعانی (۱۴۰۸ق)، الأنساب، به کوشش عبدالله عمر البارودی، بیروت.
- محمد قزوینی (۱۳۴۵ش)، «دستورالمنجمین» یادداشت‌های